

در زمین بی طرف

شصت و هشتمین دوره جشنواره برلین به کار خود پایان داد

دست‌های خالی و خرس‌های خندان

حافظ روحانی دبیر گروه ادب و هنر



مانی حقیقی در نشست خبری جشنواره فیلم برلین

ساخته مانی حقیقی (تنها فیلم ایرانی حاضر در این دوره جشنواره جهانی فیلم برلین) که بگنیم، شصت و هشتمین دوره جشنواره جهانی فیلم برلین برای سینمای ایران دستاورد قابل ذکری نداشت، مگر اینکه تقدیر از «سرا» (او نه کسی جایزه) نخستین ساخته پویا بادکوبه در یکی از بخش‌ها را موفقیت در نظر بگیریم. با این حال ایرانیان در جشنواره جهانی فیلم برلین سابقه خوبی دارند هر چند دو فیلم ایرانی در سال‌های دهه ۱۳۳۰ (۱۹۵۰) و دهه ۱۳۴۰ (۱۹۶۰) در بخش‌های جنبی جشنواره جهانی فیلم برلین شرکت داشتند (شب‌نشینی در جهنم) (موشق سروری و ساموئل خاچیکیان) و شقایق سوزان (هوشنگ شفتی) به‌واقع از دهه ۱۹۷۰ (۱۳۵۰) که تعدادی از فیلم‌های ایرانی به شکل وسیع در جشنواره‌های جهانی شرکت کردند. برلین یکی از اولین مقاصد بود و «طبیعت بی‌جان» ساخته زنده‌یاد سهراب شهید ثالث برنده خرس نقره‌ای بهترین کارگردانی در سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۲)، موفقیتی که دو سال بعد با کسب دومین خرس نقره‌ای بهترین کارگردانی توسط پرویز کیمیای برای فیلم «باغ سنگی» به سال ۱۹۷۶ (۱۳۵۴) ادامه یافت. با این حال در سال‌های پس از انقلاب نه فقط سیاست‌های تولید فیلم در سینمای ایران را تغییر کرد بلکه ساختارهای قبلی که ارتباط‌هایی با جشنواره‌های جهانی برقرار کرده بودند تعطیل شد. به‌این‌ترتیب بود که سینمای ایران تا اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی (نیمه دوم دهه ۱۳۶۰) دیگر حضور چندانی در جشنواره‌های جهانی نداشت. با این حال این دوره از حضور بین‌المللی فیلم‌های ایرانی در جشنواره‌های جهانی هم تداوم داشت و هم با موفقیت‌های بیشتر تری همراه بود. تداومی که البته شامل سه فیلم ایرانی که امسال در جشنواره جهانی فیلم برلین حاضر بودند نشد. با این حال در این روزها که هم فیلم‌سازان ایرانی کارآمدتر شده‌اند و هم از آن مهم‌تر نظام پخش فیلم در سینمای ایران پیشرفته‌تر شد حضور سه فیلم در جشنواره جهانی فیلم برلین را دیگر نمی‌توان افتخار بزرگی به حساب آورد. به‌خصوص که سینمای ایران پیش‌تر چندین جایزه از این جشنواره جهانی کسب کرده که مهم‌ترین‌شان دو خرس طلایی (جایزه بهترین فیلم) توسط «جدایی نادر از سیمین» (۲۰۱۰) و «تاکسی» (۲۰۱۵) بوده است. اما اتفاق خوب را شاید بتوان حضور فیلم‌های متنوع ایرانی در جشنواره‌های جهانی و به‌خصوص جشنواره جهانی فیلم برلین دانست. هر چند که سینمای رئالیسم اجتماعی ایران تاکنون موفق‌ترین جریان سینمایی در سطح جهان بوده است. ولی مانی حقیقی تاکنون دو بار با دو فیلم در بخش مسابقه جشنواره جهانی فیلم برلین شرکت کرده که «ازها وارد می‌شود» مطلقاً فیلمی

مجزا از جریان رئالیسم اجتماعی بود و «خوله» هم با استناد به نوشته‌ها، قصه و چند سکانس منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی ارتباطی با این جریان ندارد. در سمت دیگر می‌توان به «هجوم» سومین ساخته بلند شهرام مگر اشاره کرد. مگر نیز که با دومین فیلمش «ماهی و گریه» تجربه حضور در جشنواره جهانی فیلم ونیز و کسب یک جایزه از بخش جنبی این جشنواره را دارد هم ارتباطی با جریان رئالیسم اجتماعی سینمای ایران ندارد و اتفاقاً بیش‌تر به فن‌سالاری سینما و ساختار توجه دارد. با نگاه به سابقه حضور فیلم‌های ایرانی در جشنواره برلین البته باید اعلان کرد که اکثریت فیلم‌های ایرانی حاضر در برلین تاکنون به جریان رئالیسم اجتماعی سینمای ایران ارتباط داشته‌اند. چنانچه می‌توان به تنها حضور مسعود کیمیایی در جشنواره جهانی فیلم برلین با فیلم «ندان مار» اشاره کرد که کم‌وبیش به جریان رئالیسم اجتماعی نزدیک است. پس اگر امسال سینمای ایران با دست خالی از برلین بازگشت، شاید برخلاف تصور اولیه خبر خیلی بدی نباشد. سینمای ایران در سال‌های اخیر در تلاش بوده تا مرزهای بیانی و روایی‌اش را گسترش دهد. در این مسیر، نمونه‌هایی از فیلم‌های ایرانی بخت بلندتری داشتند و راهی جشنواره‌های جهانی شده‌اند اما عدم موفقیت‌شان (لااقل در کسب جایزه) را می‌توان به چند عامل نسبت داد: اول: کم‌تجربگی سینمای ایران در بازارهای جهانی همچنان به دو سه پخش‌کننده محدود است. نو: کم‌تجربگی ساختار سینمای ایران در پرداختن مضمون‌های تازه. به‌واقع این تجربیات در سینمای ایران تازه هستند و هنوز چشم‌انداز جهانی ندارند و سوم انتظار غرب از سینمای ایران که نیل همان نگه «اوربانتالیستی» (شرفی‌سازی) قرار گرفته و از سینمای ایران انتظار یک تصویر مشخص را دارد. این موضوع آخر به‌شکل اتفاقاً در سوال یک خبرنگار آلمانی از مانی حقیقی در کنفرانس خبری مطرح شد. جایی که این خبرنگار درباره سوالات سیاسی متعدد از فیلم‌سازان ایران پرسید و مانی حقیقی در مقام پاسخ به این نکته اشاره کرد که آنها به خاطر یک فیلم یا «یک اثر هنری» در جشنواره شرکت کرده‌اند و دوست دارند درباره آن صحبت شود و بقیه موضوعات جزو بدیهیات است و دیگر دلیلی برای طرح‌شان نیست. سینمای ایران امسال با داستان خالی از برلین بازگشت. با این حال همین پرسش و پاسخ کوتاه که به شکل وسیع در شبکه‌های اجتماعی هم پخش و بازپخش شد یک حقیقت را در مورد سینمای ایران بیان کرد: سینماگران ایرانی حالا در جست‌وجوی گسترش دادن زبان سینما در سطح جهانی‌اند و نه فقط تن دادن به همان نگاه اگزوتیک یا اوربانتالیستی. پس اگر خرس‌ها امسال به ما نماندند شاید به واسطه بلندپروازی‌مان بوده باشد.

وبترین

خودم جای غولم را می‌گیرم

وقایع اتفاقیه: نمایشگاه نقاشی‌های یاسمن بازارگان با عنوان «من غول» تا تاریخ ۹ اسفند ماه در گالری سایه برگزار می‌شود. «من غول» نقاشی‌هایی است که به تصویر ذهنی جایگزین ما از نداشته‌ها و دست‌رفته‌ها و در نهایت بازگشت فرد از این تصاویر ذهنی به خویش‌ن پرورده است. یاسمن بازارگان نقاش آثار این نمایشگاه درباره مجموعه «من غول» نوشته است: وقتی ۱۰،۱۱ ساله بودم عروسکی با قیافه مردانه، پارچه‌ای و نرم هدیه گرفتم که برابرم ماهیتی فراتر از عروسک پیدا کرد و کم‌کم به غول حمایت‌گر من تبدیل شد. شب‌ها با من می‌خوابید و من دیگر از تاریکی، نذ و... نمی‌ترسیدم. در سفرها همراه بود. پشتم گرم بود به داشتنش و به بهترین شکلی که می‌خواستم حمایتم می‌کرد. روز

ازبواجم خودم را مجبور کردم به چمدانم عروسک‌های انباری منتقل‌اش کنم و چون نبودش برابرم خیلی سخت بود شروع کردم به جایگزینی ذهنی آنجاها به جای غول: من به حمایت‌گر نیاز داشتم اما حمایتی بدون قید و شرط و فراتر از حمایت انسان‌ها. کم‌کم متوجه شدم کسی جای غولم را نمی‌گیرد و بعد از ۱۱ سال از چمدانم عروسک‌ها بیرونش آوردم. هنوز بودنش مفید بود اما نه به اندازه گذشته: دیگر من دانشم ماهیت حمایت‌گرش ساخته و پرداخته ذهن من بوده است و تصمیم گرفتم غولی را که همیشه می‌خواستم و در واقع در وجود خود داشتم نقاشی کنم. در این حین بیشتر متوجه شدم این غول خودم هستم. من هستم که می‌توانم خودم را به بیشترین و بهترین شکل حمایت کنم خودم را در آغوش بکشم و بی‌قید و شرط دوست داشته باشم. پس شدم غول خودم. «من غول» با آثار یاسمن بازارگان در گالری سایه به آدرس: خیابان کریمخان، خیابان سنایی، خیابان سیزدهم، شماره ۲۱ از ساعت ۱۱ تا ۲۱ برگزار می‌شود.

گفت‌وگو با مستندسازان «کارستان»

تلویزیون اهل تساهل و تعامل نیست



پوستر مستند «پنبه تا آتش»

و تولید کود تا برای کشاورزی ارگانیک ثبت می‌کند. بسیاری از هنرمندانی که به ساخت مستند برای تلویزیون پرداخته‌اند همکاری با این رسانه را مشکل و با محدودیت‌های بسیار همراه می‌دانند. مهدی کنجی کارگردان یکی از مستندهای «کارستان» به نام «پازلی‌ها» است. این هنرمند در سال‌های قبل به ساخت مستندهایی برای تلویزیون پرداخته و شرایط سخت همکاری با رسانه ملی را تایید می‌کند. در این باره به «وقایع اتفاقیه» می‌گوید: «ما در همکاری با تلویزیون و ساخت فیلم‌ها اغلب با شعبده‌بازی پیش رفته‌ایم زیرا میزبان و محدودیت بسیار زیاد بوده است. تلویزیون اساساً اهل تساهل و تعامل نبوده و امیدوارم درباره پروژه «کارستان» رفتار متفاوتی نشان دهد. آرمان تلویزیون، ساخت آثاری مانند مستندهای این مجموعه است. تلویزیون وظیفه پخش چنین فیلم‌هایی را دارد. نه اینکه همچون رسانه ملی فقط به ساخت سریال و عکس‌گرفتن مدیران و بازیگران مشغول شود. در حال حاضر همین رسانه «بی‌سی» بستر زیادی برای مستندها فراهم کرده و بیشترین زمان را به پخش سریال‌های خانوادگی اختصاص نمی‌دهد. در نتیجه یک رسانه قوی محسوب می‌شود. این کارگردان درباره پخش «پازلی‌ها» از تلویزیون توضیح می‌دهد: «اگر در ساعت مناسب و با تبلیغات مناسب از تلویزیون پخش شود، قطعاً پخش از تلویزیون را ترجیح می‌دهم. هر کشوری به ساخت فیلم‌هایی همچون مستندهای «کارستان» افتخار می‌کند زیرا ما به الگوسازی مثبت برای جوان‌ها اقدام کردیم و پیام کلی ما این است که با همه دشواری‌ها در این کشور بمانیم و راهی برای زندگی آسودتر بیابیم». او در پایان به فیلم «پازلی‌ها» اشاره می‌کند و می‌گوید: «این فیلم ماجرای چهار جوان است که برای ایجاد کسب‌وکار اینترنتی به تهران می‌آیند و مروری بر قصه جوانانی است که در سال‌های ۹۵ و ۹۶ برای کسب‌وکار اقدام کرده‌اند و زندگی‌شان تحت‌تأثیر این وضع تغییر می‌کند». هنرمندان با انگیزه ارتقای کار و اقتصاد جامعه به ساخت مجموعه «کارستان» پرداخته‌اند و ترجیح‌شان پخش فیلم از رسانه ملی است زیرا این ۶ مستند برای جوان ایرانی ساخته شده و تلویزیون فراگیری بیشتری دارد اما کارگردان و تهیه‌کننده این فیلم در صورت بی‌توجهی مسئولان رسانه ملی حاضر به عدم پخش «کارستان» نیستند و با رسانه‌های دیگری همکاری می‌کنند.



پوستر مستند «مادر زمین»

با او مخالفت می‌کنند زیرا قضاوت‌های غیرمنصفانه، کار همیشگی آنهاست». او در پایان به مستند «پنبه تا آتش» نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: «این مستند روایتی از زندگی و کار صنعتگر و کارآفرین نخبه کشور، «علی‌اصغر حاجی‌بابا» است. کسی که کار خود را از دوران کودکی و با شغل لحاف‌دوزی آغاز کرد و در جریان زندگی پرتلاطم و پرفرازونشیب خود توانست راه کسب‌وکار مستقل و شخصی خود را در صنعت پیدا کرده و حرفه خود را به‌همراه خانواده توسعه دهد تا جایی که او را به‌عنوان بنیانگذار صنعت ریخته‌گری و فرآیندها در ایران می‌شناسند».



پوستر مستند «پازلی‌ها»

در روز گذشته خبر رخشان بنی‌اعتماد، کارگردان مجموعه مستندهای «کارستان» در راستای اعتراض به بی‌توجهی تلویزیون مبنی بر پخش «کارستان» از تلویزیون به ایسنا گفت در صورتی که تلویزیون این مجموعه را پخش نکند، سراغ «بی‌بی‌سی» می‌رود. عدم حمایت تلویزیون از مستندهای «کارستان» توجیه منطقی ندارد زیرا محتوای این فیلم‌های مستند به ایجاد انگیزه برای تولید ملی و فعالیت جوانان در داخل کشور پرداخته و این رویکرد تلویزیون براساس نگاه‌های سلیقه‌ای است. اکنون «وقایع اتفاقیه» با بهرام عظیم‌پور، مهدی کنجی و مهناز افضلی سه کارگردان از مجموعه مستندهای «کارستان» درباره پخش آثار مستندشان در تلویزیون یا رسانه‌های دیگر به گفت‌وگو می‌پردازد. هر یک از مستندهای «کارستان» با هدف ایجاد فضایی امیدبخش برای مخاطبان جوان جامعه و به امید ماندن آنها در کشور و کار برای سرزمین خودشان شکل گرفته است. بهرام عظیم‌پور کارگردان مستند «پنبه تا آتش» تلویزیون را دچار پیش‌داوری و قضاوت‌های غیرمنصفانه می‌داند و به «وقایع اتفاقیه» می‌گوید: «اگر مستندهای تلویزیون پخش شود طبیعتاً اتفاق بهتری برای تلویزیون و اثر است. این مستندها شرایط ایران را منعکس می‌کند اما تلویزیون گوش شنوایی ندارد. تلویزیون در درجه اول اشخاص را مدنظر قرار می‌دهد و پیش‌داوری می‌کند. اگر نگاه منصفانه‌ای به این آثار داشته باشیم، قطعاً متوجه تأکید هنرمندان به کارآفرینی و تشویق جوانان به فعالیت در کشور می‌شوند اما گویی مسئولان تلویزیون عمداً از فهم این مسائل فرار می‌کنند». عوامل «کارستان» پخش این مستندها از تلویزیون را مستلزم تبلیغات و حمایت مالی بالا می‌دانند. عظیم‌پور در این باره توضیح می‌دهد: «تلویزیون باید کار را ببیند و تبلیغاتی برای آنها انجام دهند. وقتی نفع جمعی در نظر تلویزیون بی‌اهمیت است، چرا باید مستندهایی که بدون بهره از یک ریال دولتی ساخته شده، به دلیل بی‌توجهی تلویزیون پخش نشود؟ اگر به این رفتار ادامه دهند راهی به‌جز همکاری با رسانه‌های دیگر نمی‌ماند. متأسفانه تلویزیون از قبل انتخاب‌هایش را انجام می‌دهد. همان‌طور که در سیاست، اقتصاد و هنر همیشه به همین شیوه پیش رفته‌اند. در شرایط کنونی، اگر آقای تاجزاده هم حرفی به نفع کشور بزند همچنان

✓ چرا باید مستندهایی که بدون بهره از یک ریال دولتی ساخته شده، به دلیل بی‌توجهی تلویزیون پخش نشود؟ اگر به این رفتار ادامه دهند راهی به‌جز همکاری با رسانه‌های دیگر نمی‌ماند. متأسفانه تلویزیون از قبل انتخاب‌هایش را انجام می‌دهد. همان‌طور که در سیاست، اقتصاد و هنر همیشه به همین شیوه پیش رفته‌اند

تلویزیون در سال‌های اخیر علاوه بر اینکه از جهت کیفی مورد انتقاد هنرمندان قرار گرفته از جهت برخورد با آثار نیز همچنان در جایگاه منفی نزد اهالی هنر قرار دارد. بسیاری از فیلم‌های مستند از تلویزیون پخش نشده و این موضوع، ناراضیاتی فیلم‌سازان مستند را در پی داشته است. مهناز افضلی کارگردان فیلم مستند «مادر زمین»، یکی از آثار مجموعه «کارستان» درباره برخورد تلویزیون نسبت به آثار مستند به «وقایع اتفاقیه» می‌گوید: «تاکنون تلویزیون هیچ‌یک از فیلم‌های مستند من را پخش نکرده و زمانی که می‌اندیشم به این نتیجه می‌رسم که آثار قبلی من شاید قابلیت پخش در تلویزیون را نداشته‌اند اما «مادر زمین» و همه مستندهای مجموعه «کارستان» کاملاً براساس ضوابط ملی و با اندیشه خدمت به سرزمین مادری‌مان ساخته شده و اکنون باید با استقبالی به سمت این فیلم‌ها بیایند». مستند «مادر زمین» نگاهی به زندگی و کار مشترک هایدیه شیرزادی و همسرش، «ادموند لیکیز» دارد و تلاش آنها را برای قطع کامل دفن زیاده‌های شهری و تبدیل پسماند به بیوکمپوست

